

برای ترکیه محسوب می‌شود. از طرف دیگر، مشغول کردن ارتش به مأموریت‌های نظامی در خارج از کشور می‌توانست تهدید آن را برای اردوغان در داخل ترکیه کاهش دهد. واضح بود که این سیاست، هزینه‌ها و پیامدهای اقتصادی خاص خود را داشت. پیامدهایی که در سایه عبور از دوران درخشان رشد اقتصادی در اقتصاد ترکیه مانع از آن شد که اردوغان بتواند هزینه این ماجراجویی‌ها را بپردازد. در دوران پس از کرونا تورم در اقتصاد ترکیه به شدت افزایش یافت و ارزش پول ملی این کشور دچار کاهش چشمگیری شد. تشدید بحران اقتصادی و تلاش نیروهای سیاسی مخالف اردوغان برای استفاده از این فرصت برای پیروزی در انتخابات باعث شد تا اردوغان محتاط‌تر شود. از طرف دیگر، تلاش غرب برای جلوگیری از قدرت‌یابی ترکیه در منطقه مدیترانه و تشدید تنگنای ژئوپولیتیکی ترکیه در این منطقه از طریق حمایت از یونان و برخی اقدامات دیگر باعث شد تا اردوغان برخی سیاست‌های خود در گذشته را کنار بگذارد.

برای توصیف سیاست خارجی ترکیه در دو دهه گذشته از مفاهیم متفاوتی چون چندمنطقه‌گرایی، استقلال‌طلبی استراتژیک، اوراسیاگرایی، نوع‌مانی‌گری، قدرت‌نویسی اقتصادی و قدرت‌نویسی متوسط بین‌المللی استفاده شده است. فارغ از اختلافاتی که این مفاهیم با یکدیگر دارند باید پذیرفت که همه آن‌ها تغییر بنیادی در سیاست خارجی ترکیه را می‌پذیرند و تا حد زیادی آن را بازگشت‌ناپذیر می‌دانند. به این معنا که سیاست خارجی ترکیه دیگر به دوران کمالیستی گذشته باز نخواهد گشت. البته ممکن است ترکیه در فرایند قدرت‌یابی خود به عنوان یک قدرت‌نویس چهار عقب‌گرد شود. کمالات‌گرایی برزیل و آفریقای جنوبی هم تجربه مشابهی داشته‌اند، اما ترکیه به دهه ۱۹۹۰ یا ۱۹۸۰ باز نخواهد گشت. تجربه برزیل و آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که قدرت‌های نوظهور ممکن است از نظر اقتصادی دچار عقب‌گرد یا کندی رشد شوند، اما معمولاً به دوران پیش از جهش اقتصادی برمی‌گردند.

## امارات متحده عربی

تغییر سیاست خارجی در امارات متحده عربی پیوند نزدیکی با شخص محمد بن زاید، رئیس‌جمهور امارات، و اطرافیان بانفوذ او داشته است. برخلاف ترکیه و عربستان، شیخ محمد بن زاید در امارات متحده عربی برای اجرای سیاست‌های بلندپروازانه خود با موانع جدی مواجه نبود. در نتیجه توانست امارات متحده عربی را طی دو دهه گذشته متحول کند و در مسیر تبدیل شدن به یک قدرت‌نویس منطقه‌ای قرار دهد. امارات امروزه افزون بر نقش آفرینی در مسائل خلیج فارس و شبه جزیره عربی یک بازیگر مهم و تأثیرگذار در حوزه دریای سیخ و شاخ آفریقا محسوب می‌شود.

امارات متحده عربی بعد از اعتراضات عربی ۲۰۱۱، به این جمع‌بندی رسید که اوضاع منطقه‌ای و بین‌المللی برای استفاده از فرصت‌ها و ارتقای جایگاه آن فراهم شده است. روی کار آمدن ترامپ در آمریکا نیز بر جسارت و بی‌پروایی شیخ محمد بن زاید افزود. او با لابی قدرتمندی که در واشنگتن دارد، نفوذ زیادی در دولت ترامپ پیدا کرد، تا آنجا که رسانه‌های آمریکایی از امارات به عنوان مشاور غیررسمی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه یاد کردند. امارات در ادامه برای حمله به یمن ائتلافی با عربستان تشکیل داد. ضمن آنکه در سوریه، لیبی و عراق نیز درصدد افزایش نفوذ بود، اما بعد از اتفاقات سال ۲۰۱۹ و در یک چرخش آشکار با فاصله گرفتن از عربستان، از طریق توافق ابراهیم به رژیم صهیونیستی نزدیک‌تر شد و همزمان درصدد تنش‌زدایی با جمهوری اسلامی ایران برآمد. خط‌مشی‌های کلی در